

آدرس های کنگره:

kongere.hekmatist@gmail.com

لطفا برای مسائل کنگره فقط با این ای میل تماس بگیرید

تلفن: 00491738725185

شماره حساب های ویژه کنگره اول

بریتانیا

NatWest Bank

Name: Mr. Omid Behnam

Account Number: 83827331

Sort Code: 50- 10- 05

سوئد

Postgiro

Name: Integration och kultur föreningen för iranier i Sverige

No: 377639-0

آلمان

Koelner Bank

Nasrolla Nandinian

Kontonummer 528734006

BLZ 37160087

ضمیمه کمونیست

رئیس تدارک کنگره اول حزب

کنگره ۴

۱۰ مهر ماه ۱۳۸۵ - ۲ اکتبر ۲۰۰۶

سردبیر: کورش مدرسی kongere.hekmatist@gmail.com

قطعه نامه پیشنهادی

درباره اوضاع سیاسی ایران

و موقعیت حزب حکمتیست

پیش نویس اول

پیشنهاد کننده: ایرج فرزاد، آذر مدرسی

حمایت کنندگان: عبدالله شریفی، اسد نودینیان، نسان نودینیان، یدی کریمی، مجید حسینی، مصطفی رشیدی، اسد گلچینی، اسماعیل ویسی

قابل توجه علاقمندان به شرکت در کنگره

به دلیل گنجایش محدود سالن کنگره و امکانات زیستی (محل خواب و غذا) تعداد محدودی جا برای شرکت میهمانان وجود دارد. تدارکات کنگره بر اساس تقدم در ثبت نام این امکانات را توزیع کند. اگر میخواهید از امکان شرکت در کنگره مطمئن شوید لطفاً سریعتر ثبت نام کنید. برای ثبت نام با تشکیلات محلی حزب و ای با شماره تلفن و یا ای میل ویژه کنگره تماس بگیرید.

قطعه نامه پیشنهادی

طبقه کارگر و قدرت سیاسی

پیش نویس اول

صفحه ۳

قطعه نامه پیشنهادی

موقعیت جنبش کارگری و وظایف ما

پیش نویس اول

پیشنهاد کننده محمود قزوینی و مصطفی اسدپور

امضاء کنندگان: جمال کمانگر، عبدالله دارابی، نسان نودینیان، مظفر محمدی، محمد فتاحی، اعظم کم گویان

صفحه ۵

قطعه نامه پیشنهادی

درباره انقلاب ایران و وظایف

کمونیستها

پیش نویس دوم

صفحه ۶

سه قرار
پیشنهادی به
کنگره

صفحه ۷

۱- تحولات و تغییراتی که مدنیت جامعه را با در صف بندی بلوکهای جدید پس از فروپاشی اردوگاه شوروی سابق و پویزه در نتیجه حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ به عراق پیش آمده است، عملاً رژیم اسلامی را به یکی از برندگان سناریو سیاه عراق تبدیل کرده است. رژیم اسلامی از بستر بن بست دولت بوش در عراق از بحران به بهانه اتمی و نقشی که در بحران خاورمیانه و مساله فلسطین نصیب جمهوری اسلامی شده است، امکان جدیدی برای تقابل با جنبش اعتراضی مردم و تحمیل فلاکت اقتصادی به طبقه کارگر و مردم ایران پیدا کرده است. سیاست نظم نوین و سناریو عراقیزه کردن برخی جوامع دیگر، نظیر آنچه در سومالی و سودان و دارفور در جریان است، به جزء اتنگره ای از معادلات سیاسی جامعه ایران تبدیل شده است. حزب حکمتیست این فاکتورهای جدید و در عین حال خطرناک به حال

صفحه ۲

جامعه متوقع است، باز نگاه میدارد.

۳- اما بحران کنونی رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود و نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی قابل رفع نیست، بلکه بناگزیب دائماً تعمیق میشود و زمینه های عینی واژگونی رژیم اسلامی را فراهم میکند.

اولاً، بقاء هر حکومت بورژوازی، و از جمله رژیم اسلامی، در وهله اول در گرو تضمین یک دوره رشد و توسعه اقتصاد کاپیتالیستی در ایران است، صرف نظر از دشواری عظیم سازماندهی و تضمین چنین افق اقتصادی ای برای هر بخشی از بورژوازی ایران، رژیم اسلامی بنا به مشخصات ماهوی اش بطور ویژه ای از تحقق این امر عاجز است. رژیم اسلامی بنا به ماهیت سیاسی و هویت اسلامی خود تاکنون نتوانسته و نمیتواند به یک حکومت متعارف سرمایه داری در ایران تبدیل شود، مناسبات حقوقی و ساختارهای اقتصادی و سیاسی مناسب برای حرکت سرمایه و کارکرد و گسترش مکانیسم بازار را ایجاد و تضمین نکند، و شرایط ادغام فعالانه بازار داخلی ایران در اقتصاد بازار جهانی سرمایه داری را فراهم کند. جمهوری اسلامی نه فقط توان رفع بحران اقتصاد سرمایه داری ایران را ندارد، بلکه خود موجب تشدید این بحران است. بن بست اقتصادی سرمایه داری ایران مبنای اصلی بحران چاره ناپذیر حکومت اسلامی است.

ثانیاً، حکومت اسلامی و نظام سیاسی در ایران، بعنوان یک نظام و رژیم سیاسی استبدادی، مرتجع و ضد انسانی مورد تعرض توده وسیع مردم است.

این حکومت که بزور سرنیزه و کشتار و بزرگترین نسل کشیها تا اینجا دوام آورده است، اکنون رودرروی نسل جدیدی از مردم است که در یک مقیاس دهها میلیونی آزادی و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند. حکومت سرنیزه و سیاست سرکوب و ارباب پاسخگوی این موج اعتراضی جدید نیست و سرنگونی رژیم اسلامی در دستور جامعه قرار گرفته است.

ثالثاً، تسلط حکومت مذهبی و مقررات و موازین ارتجاعی اسلام در ایران قابل دوام نیست. اسلامیت حکومت مستقیماً در برابر سکولاریسم و آزادیخواهی عمیق مردم و جامعه و فرهنگ عامه قرار گرفته است. جامعه ایران یک حاکمیت مذهبی و اسلامی را بیش از این تحمل نمیکند و علیه آن بپاخاسته است.

۴- در تقابل جنبشهای اصلی که آینده سیاسی جامعه ایران را رقم میزنند، اپوزیسیون و ائتلاف سنتی ملی اسلامی، بویژه پس از شکست دو خرداد، به انشاقها و شکافهای جدید دچار شد. پیوستن برخی از شخصیتهای لایه های این جنبش به صف اپوزیسیون راست و ناسیونالیست طرفدار غرب، نازائی و عقیم بودن آن و ظرفیت تجزیه شدن آنرا بین جمهوری اسلامی و اپوزیسیون راست آشکارتر کرد. به این ترتیب یک حفاظ مهم رژیم اسلامی در برابر صف سرنگونی طلبی مردم وستون اتحاد طیفها و احزاب و سازمانهای اپوزیسیون خودی و غیر خودی شکاف و ترک های جدی برداشته است.

اپوزیسیون راست طرفدار غرب، بویژه با تحولات عراق، اعتماد درونی خود را از دست داد و شیفت هر از چند گاه یکبار

دپارتمانهای دولتی آمریکا به حمایت از جریانهای قومی و طرحهای فدرالیستی و تجزیه ایران، بر بنیادها و ستونهای ایدئولوژیک و جنبشی این اپوزیسیون ضربات سختی وارد کرده است. اپوزیسیون انقلابی و سوسیالیست شانس برای قرار گرفتن در راس مبارزه توده های مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی پیدا کرده است. حزب حکمتیست آماده است که رهبری جنبش سرنگونی رژیم اسلامی را بر عهده بگیرد.

۵- واقعیت این است که تحرک چپ غیر اجتماعی در حزب کمونیست کارگری پس از مرگ منصور حکمت، با سیاست غیر مسئولانه متلاشی کردن حزب کمونیست کارگری و متعاقب آن در پیش گرفتن فعالیت در حاشیه اپوزیسیون راست و ناسیونالیست، بطور ایزکتیو به جنبش و آلترناتیو کمونیسم کارگری ضربات بسیار سختی وارد کرد. کمونیسم هیچ چاره ای ندارد جز اینکه در شرایطی که از نظر منافع مردم حضور عملی یک حزب انقلابی و چپ افراطی ضروری است، این اعتماد مردم به کمونیسمی که نماینده رادیکالیسم و قاطعیت و سازش ناپذیری و مبارزه با مماشات با هر نوع حک و اصلاح و استحاله رژیم بوده است و ماهیت رژیم اسلامی و جناحهای آنرا در سراسر دوران حاکمیت ارتجاعی اش به مردم شناسانده است، را بسرعت اعاده کند. حزب حکمتیست مصمم است این لطمات را جبران کند و در این مسیر تاکنون گامهای موثری برداشته است.

ساختن یک حزب سیاسی اجتماعی و ظاهر شدن در ظرفیت حزبی که پاسخگوی این نیاز جامعه به چپ و کمونیسم باشد، از منظر اجتماعی و از زاویه منافع طبقه کارگر و توده

های مردم و نیز بویژه از منظر قرار دادن کمونیسم بر صحنه سیاست ایران و تبدیل کردن کمونیسم به یک نیروی دخیل در معادلات سیاسی ایران و منطقه، یک شرط فوری است. یک شرط اساسی برای تبدیل شدن کمونیسم به یک نیروی اجتماعی، ظاهر شدن به عنوان قاطع ترین و پیگیرترین نیروی سرنگون کننده جمهوری اسلامی و با توجه به اوضاعی که سیاست نظم نوین در منطقه و بخصوص عراق بوجود آورده است، ظاهر شدن به عنوان رهبر مبارزه مردم برای کشیدن جمهوری اسلامی به عقب و چشم پوشی در صحنه سیاست ایران و در اذهان توده های عادی مردم بدل شود.

۷- حزب حکمتیست در تحولات جاری ایران برای یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی، برای تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برای برقراری فوری یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. حزب حکمتیست باید خود را به عنوان حزب رادیکال افراطی که برای الفای بردگی مزدی، برابری بی قید و شرط حقوق مدنی زن و مرد و دفاع سرسختانه از حق و حرمت و حقوق کودک و مبارزه برای ایجاد جامعه ای آزاد برابر و مرفه و فارغ از ستم طبقاتی، شناخته میشود، در اذهان میلیونها مردم تداعی کند.

۸- حزب خواهان سرنگونی فوری رژیم اسلامی است و با هر تلاش نیروهای درون و بیرون حکومت برای حفظ حکومت اسلامی در اشکال جدید و جرح و تعدیل شده، و در اوضاع فعلی بین المللی و منطقه ای، در مقابل سقوط جامعه ایران به ورطه سناریو سیاه و طرحهای ارتجاعی مانند فدرالیسم و پاشیدن هویت قومی به شهروندان جامعه، قاطعانه مقابله میکند. حزب حکمتیست در عین حال از هر گشایش سیاسی و فرهنگی که با فشار مردم به حکومت اسلامی تحمیل میشود فعالانه دفاع میکند و در مقابل هر تلاش دولت اسلامی برای تشدید اختناق، و پلیسی تر کردن فضای جامعه و تحمیل فقر و فلاکت بر طبقه کارگر و جامعه قاطعانه می ایستد.



قطعه‌نامه پیشنهادی

طبقه کارگر و قدرت سیاسی

پیش نویسی اول

پیشنهاد کنندگان کورش مدرسی - خالد حاج محمدی

حمایت کنندگان: رحمان حسین زاده، بهرام مدرسی، ثریا شهبایی، حمه سور، جمال کمانگر، عبدالله دارابی،

کارگر شاغل را نیز تهدید میکند و شمشیری آویخته ای بر سر مقدرات هر خانواده کارگری است. سازمان دادن اتحاد کارگری علیه بیکاری شرط اساسی مهار کردن این اهرم قدرت سرمایه داران بر مقدرات کل طبقه کارگر است که حول خواست سراسر بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بالاتر از ۱۶ سال میتواند سازمان یابد. طرح شعارهایی نظیر افزایش واقعی و سراسری دستمزد ها و بیمه بیکاری مکفی بویژه از سوی بخش های شاغل و موثر طبقه کارگر، متحد کردن صفوف کارگران شاغل و بیکار، بومی و مهاجر در مبارزه سراسری برای بهبود اوضاع معیشتی، حمایت فعال از اعتراضات کارگران در معرض بیکارسازی و برای گرفتن دستمزدهای معوقه، همچنین دفاع بی قید و شرط از حقوق کامل شهروندی برای همه مهاجرین از اجزا مهم این فراخوان است.

* برپائی جنبش مجامع عمومی

منظم کردن تشکیل مجمع عمومی، روتین کردن تصمیم گیری کارگران در مجمع عمومی، انتخاب نماینده و گزارش دهی نمایندگان در مجمع بعنوان ارگانهای اعمال مستقیم اراده کارگران یک امر حیاتی است. همچنین و همزمان، لازم است تا فعالین جنبش مجامع عمومی، بویژه و

فراهم آمده است. کارگران باید سریعاً نقش خود را در راس جنبش توده ای برای سرنگونی رژیم اسلامی باز یابند.

۲ - حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همه کارگران مبارز ایران را به اتحاد در صفوف حزب فرامیخواند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست پرچمدار وحدت طبقاتی و ضامن حضور مستقل طبقه کارگر ایران در تحولات سیاسی تاریخ ساز جاری است.

۳ - حزب کمونیست کارگری - حکمتیست باردیگر بر اهمیت براه اندازی یک جنبش وسیع مجامع عمومی در کارگاهها و واحد های تولیدی و اقتصادی تاکید میکند. در غیاب شوراهای قوام گرفته کارگری، در غیاب هر نوع سازمان توده ای قدرتمند و ادامه کار کارگری، مجمع عمومی یعنی تجمع هدفمند و آگاهانه کارگران برای تصمیم گیری جمعی و تأمین رهبری حرکات اعتراضی، کلید پیشروی جنبش توده ای و مطالباتی و اعتراضی کارگران است.

مجمع عمومی ادامه کار ترین و موثر ترین شیوه سازماندهی حرکات توده ای در شرایط اختناق است. ۴ - حزب همه فعالین کمونیست در طبقه کارگر را به پیگیری اولویت های زیر فرا میخواند:

* مبارزه علیه فلاکت، اتحاد کارگری علیه بیکاری

بیکاری رکن اساسی تحمیل فلاکت بر طبقه کارگر است. بیکاری تنها مسئله کارگران بیکار نیست، خطری است که هر

اعتراضی کارگری را که قابلیت بسیج سراسری طبقه کارگر را دارند، مسخ و مخدوش کند و در چهارچوب قانونی و امید بستن به دولت اسلامی مهار زند؛

- و مهمتر، از آنجا که تحت تاثیر عوامل فوق و عدم انسجام سیاسی و سازمانی رهبران عملی و فعالین کارگری حول یک پرچم کمونیستی کارگری، تمایل سیاسی مسلط بر طبقه کارگر در شرایط کنونی، از یکسو نفرت و انزجار از جمهوری اسلامی و روز شماری برای سرنگونی آن و از سوی دیگر حالت انتظار، عدم دخالت فعال در دعاوهای سیاسی، عدم شرکت متحد و فعال در جنبش های اعتراضی سیاسی روزمره جامعه، است؛

از اینرو:

۱ - کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست توجه کارگران را بر حساسیت شرایط تاریخی کنونی و لزوم حضور متحد و متشکل طبقه کارگر در صحنه سیاست، طرح مطالبات سراسری برای تغییر وضع معیشتی خود در قبال هر مسئله اجتماعی و بدست گرفتن عملی رهبری جنبش برای رهایی از فلاکت، حکومت مذهبی، اختناق، تبعیض جنسی و برای سرنگونی جمهوری اسلامی جلب می کند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست معتقد است که یک فرصت تاریخی کمیاب برای طبقه کارگر برای بدست گرفتن قدرت و تحقق شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری در ایران

اوضاع سیاسی محتاط کرده است؛

- اعتراضات کارگری با وجود آنکه یک وجه جنبش اعتراضی عمومی علیه جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد، اما عمدتاً محدود به بخش هائی هستند که در معرض بیکارسازی و عدم پرداخت دستمزد ها قرار دارند و مور حمایت فعال کارگران شاغل قرار نگرفته اند، و حتی در همین بخش نیز اعتراضات کارگری خصلتی پراکنده دارند و به مبنایی برای بهبود جدی معیشت این بخش و به طریق اولی زمینه عروج متحد و سیاسی کارگران تبدیل نشده اند؛

- با وجود برپائی مجامع عمومی در بسیاری حرکات و استفاده از آن بعنوان ظرف بسیج کارگران، هنوز این مجامع به صورت شکل تثبیت شده خودسازمانیابی توده ای کارگری تثبیت نشده اند و کارگران فاقد شکل های واقعی و ارگانهای اعمال اراده مستقیم خود هستند؛

- جمهوری اسلامی ضمن خودداری از درگیری رو در رو با اعتراضات کارگران و اتخاذ تاکتیک خسته و فرسوده کردن آنها، در عین حال از یکسو با تمام توان دستگاه امنیتی و جاسوسی خود فعالین و رهبران رادیکال و کمونیست کارگری را دستگیر و زندان و اخراج میکند، و از سوی دیگر از طریق شبکه دولتی شوراهای و انجمن های اسلامی، خانه کارگر میکوشد تا شعارها و مطالبات و حرکات

بحران عمیق سیاسی و اقتصادی فعلی، اعتراض وسیع اجتماعی علیه جمهوری اسلامی و چشم انداز سرنگونی، فروپاشی و اضمحلال آن، مساله آینده جامعه ایران را در مقابل طبقه کارگر قرار داده است. این فرصت تاریخی است تا طبقه کارگر بتواند در راس جنبش برای آزادی و برابری، برای مدرنیسم، و برای سرنگونی جمهوری اسلامی قرار بگیرد، اعتماد اقشار معترض و آزادیخواه جامعه را به خود جلب کند، و پرچمدار یک انقلاب سوسیالیستی و رهائی بخش بشود.

فراخوان اصلی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کارگران، به اعضا و فعالین خود و به همه کمونیست ها و رهبران کارگران، تلاش برای رفع هرچه سریعتر موانع عروج طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مدعی قدرت و رهبر کل جامعه در مبارزه برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و برپا کردن یک زندگی انسانی، آزاد و برابر، و برای ایجاد یک جامعه سوسیالیستی در ایران است.

از آنجا که:

- فلاکت بی سابقه، بیکاری و بیکارسازی های بسیار گسترده، تفرقه بین کارگر شاغل و بیکار، بومی و مهاجر را دامن زده و حفظ و تأمین شغل را به مشغله اصلی بسیاری از کارگران تبدیل کرده و آنها را در طرح مطالبات سراسری ناظر بر بهبود اوضاع اقتصادی و یا دخالت و حضور مستقیم و موثر در



نمایندگان منتخب مجمع عمومی هر کارخانه با فعالین و نمایندگان مجامع عمومی کارخانه های منطقه خود یا هم رشته خود تماس حاصل کنند و زمینه های اتحاد های وسیع منطقه ای و رشته ای کارگران را جهت سازمان دادن حرکات وسیع منطقه ای و رشته ای را فراهم آورند.

* مبارزه برای انحلال شوراهای اسلامی

کوتاه کردن دست این ارگانهای رژیم از دخالت در اعتراضات کارگری، مقابله با هرگونه ادعای شوراهای اسلامی و خانه کارگر در نمایندگی کارگران، چه در سطح جامعه و چه در سطح بین المللی، تحریم "انتخابات" و مقابله با تشکیل این ارگان ها، طرح فعال شعار انحلال شوراهای انجمن های اسلامی بعنوان نهاد های دست ساز و جاسوس جمهوری اسلامی و تلاش عملی برای بیرون راندن آنها از محیط کار.

* دخالت مستقیم در جدالهای سیاسی

در جامعه سرمایه داری مبارزه طبقه کارگر برای تحقق مطالبات اقتصادی فی نفسه کشمکش سیاسی است. اما در اوضاع کنونی ایران خصلت سیاسی مبارزه کارگری به مراتب عیان تر و برجسته تر است. هر اعتراض کارگری، ولو حول مطالبات اقتصادی و رفاهی کارگری، فوراً به مساله ثبات و بقاء، و عدم بقاء، رژیم اسلامی گره میخورد. اما به این نباید بسنده کرد. در اوضاع کنونی لازم است کارگران ایران آگاهانه وارد جدال سیاسی جاری در جامعه شوند. شعارها و مطالبات سیاسی نظیر آزادی زندانیان سیاسی، آزادی اعتصاب و تشکل، آزادی بیان و مطبوعات، برابری زن و مرد، لغو حجاب، جدایی مذهب از دولت باید بر پرچم اعتراضات کارگری نقش بندد. جدالهای سیاسی در جامعه، جنبش های اعتراضی زنان و دانشجویان و یا شورش

های شهری، همه عرصه هایی برای دخالت فعال و متحد کارگران است و امکانی برای طبقه کارگر برای تبدیل شدن به رهبر ستم کشان و آزادیخواهان جامعه، را فراهم میکند.

دامن زدن به هویت قومی و مذهبی در میان کارگران و مردم زحمتکش است. نیروی اصلی اجتماعی که میتواند در مقابل این فاجعه سد به بندد طبقه کارگر است. حزب حکمتیست رهبران

کارگری و فعالین کمونیست را فرا میخواند تا افشای جریانات ناسیونالیستی و قوم پرست و ممانعت از دامن گرفتن هویت قومی و مذهبی در میان طبقه کارگر، افشای هرگونه توهم به آمریکا و نیروهای اپوزیسیون راست پرو غرب و بالاخره امر گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی و تضمین سرنگونی هرچه سریعتر از آن را جزو وظایف حیاتی این دور خود بدانند. رهبران کارگری و فعالین کمونیست باید طبقه کارگر را آماده کنند تا امکان اعمال قدرت مستقیم و متشکل طبقه کارگر برای کنترل محل زندگی و کار و برای سرکوب قدرتمند عوامل سناریو سیاه را فراهم کنند. یک شرط ممانعت از تحقق چنین سناریویی

غیرقابل چشم پوشی خود بداند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست استفاده از فرصت کنونی، که بحران سیاسی عمومی، رفتن رژیم جمهوری اسلامی را در دستور روز مردم قرار

داده است، را برای متحد و متشکل کردن کارگران ذقیقت میداند. حزب حکمتیست تلاش میکند که سرنگونی جمهوری اسلامی با حداکثر دستاورد برای طبقه کارگر همراه باشد. سرنگونی انقلابی و رژیم اسلامی و اجرای منشور سرنگونی جمهوری اسلامی، طبقه کارگر را در سطح وسیع به میدان میاورد و متشکل شدن سریع و انقلابی طبقه کارگر را نه تنها از پائین، بلکه از بالا و با اهرم قدرت

بقیه از صفحه ۵

برابر شهروندی با بقیه مردم ایران برخوردار شوند. طبقه کارگر ایران باید دفاع از حقوق کارگران افغانستانی در همه سطوح را وظیفه

برای آشنائی با حزب، مسئولین و کادرهای حزب حکمتیست و همچنین فرماندهان گارد آزادی در کنگره اول حزب شرکت کنید!

قطعه‌نامه پیشنهادی

موقعیت جنبش کارگری و وظایف ما

پیش‌نویس اول

موقعیت جنبش کارگری

منشاء فقر و محرومیت اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر ایران، پائین بودن سطح معیشت طبقه کارگر از سطح حداقل و محروم بودن آن از حق تشکل و اعتصاب و ابتدائی ترین حقوق برسمیت شناخته شده که در بسیاری از کشورهای سرمایه داری موجود است، از نیاز پایه ای نظام سرمایه داری ایران برای استفاده از کار ارزان سرچشمه گرفته است. برای همین طبقه کارگر نه تنها برای انقلاب کارگری، بلکه برای هرگونه اصلاحات جدی در جامعه به نفع خود و برای هرگونه بهبود دائمی و پایدارتر در وضعیت اقتصادی و سیاسی خود مجبور به واژگون کردن نظام سرمایه داری و برقراری یک جامعه برابر و سوسیالیستی است.

جمهوری اسلامی بانی و سرمنشا تباهی و توحشی بیسابقه و افسار گسیخته علیه طبقه کارگر و مردم زحمتکش در ایران است. فقر، بیکاری، قراردادهای موقت کار، خارج بودن بخش اعظم کارگران از هرگونه تامین و قانون کار و خارج کردن کارگاههای زیر ۱۰ نفر از پوشش قانون کار، ورشکستگی بخشی از صنایع و اخراج کارگران، عدم پرداخت دستمزدها به مدت طولانی، بیکارسازیها، محرومیت طبقه کارگر از تشکل مستقل خود، حفظ و تامین شغل و تامین پایه ای ترین سطح معیشت را به مشغله اصلی بسیاری از کارگران تبدیل کرده است. سیاست خصوصی سازی وسیع و تجدید ساختار صنعت که همراه با بیکارسازیهای وسیع همراه خواهد بود به این وضعیت دامن خواهد زد.

در دوران کنونی در اثر هجوم وسیع بورژوازی به هر نوع مبارزه عدالتخواهانه و برابری طلبانه به بهانه شکست و سقوط بلوک شرق و سپس حمله به عراق و فضای کشمکش نظامی در جهان و عقب‌گردهای سیاسی و فرهنگی که در طول ۱۵ سال اخیر دولتهای سرمایه داری بر دنیا تحمیل کرده اند، تأثیرات مخربی بر جنبش کارگری جهانی گذاشته است. عدم تحرکات وسیع و پایدار کارگری در سطح جهانی، بخصوص در کشورهای پیشرفته صنعتی اروپا و آمریکا و عدم وجود یک جنبش کارگری رادیکال، متشکل در سطح جهان، حتی در یک کشور در جهان به همراه سنت قوی گرایش ترادیونیونیستی در کشورهای صنعتی پیشرفته، که طبقه کارگر را به زائده بورژوازی تبدیل کرده است، تأثیرات مستقیمی در حرکت طبقه کارگر در ایران گذاشته است.

در ایران امروز مبارزه طبقه کارگر، بنا به ماهیت شرایط، سیاسی است. بطور کلی مبارزه اقتصادی طبقه کارگر در جامعه کاپیتالیستی تقابل سیاسی در جامعه را نشان میدهد. ولی در ایران امروز بمعنی اخص کلمه این مبارزه به سرنوشت حکومت اسلامی مربوط میشود. حکومت اسلامی اگر با یک جنبش اعتصابی سراسری روبرو شود، سرنگون میشود. یک مبارزه وسیع بر سر دستمزدهای معوقه و یا افزایش دستمزد، جمهوری اسلامی را به لبه پرتگاه نزدیک میکند. اعتصابات و اعتراضات جاری کارگری علراغم اینکه بشدت خصلت دفاعی دارند و

پراکنده اند و در مراکز تولیدی صورت میگیرند که ورشکسته اند، اما در متن اوضاع سیاسی ایران میتواند موجب برانگیختن کل طبقه و به میدان آمدن طبقه کارگر در مراکز اصلی تولید شود. متحد کردن این اعتراضات و در آوردن آنها از پراکندگی و ایجاد یک رهبری کمونیستی بر این اعتصابات و اعتراضات از ملزومات این کار میباشد.

وظایف فوری و سیاستهای حزب حکمتیست

در صدر وظایف، تقویت گرایش رادیکال-سوسیالیست و متحد کردن و به تحرک در آوردن رهبران و فعالین این طیف قرار دارد. تقویت این گرایش و به تحرک در آمدن آن ضمن ایجاد همبستگی طبقاتی میان طبقه کارگر است. برای کشاندن بخشهای مختلف طبقه کارگر در حمایت از یکدیگر باید رهبران رادیکال و سوسیالیست رهبری مبارزات جاری اقتصادی طبقه را در دست بگیرند. متحد و متشکل کردن فعالین و رهبران سوسیالیست کارگری در حزب بخشی از این فعالیت است.

یک معضل اساسی و تاریخی طبقه کارگر ایران، محروم بودن آن از تشکل بوده ای ادامه کار است. طبقه کارگر بدون فائق آمدن بر این معضل نمیتواند بر پراکندگی کنونی خود فائق آید بعلاوه نخواهد توانست در جدالهای سیاسی و اجتماعی جاری نقش موثر و تاریخساز ایفا کند. تشکل های توده ای کارگری، در کنار

توده ای و مسقتل کارگری است

با توجه به صف میلیونی بیکاران و موج گسترش بیکاری و خطر فلاکت که جامعه و خصوصا طبقه کارگر را تهدید میکنند، اتحاد علیه بیکاری به نیازی مبرم در میان کارگران شاغل و بیکار تبدیل شده است. مبارزه علیه بیکاری در گرو اتحاد کل طبقه کارگر و تلاش و مبارز این طبقه حول افزایش دستمزدها و تامین بیمه بیکاری مکفی برای تمام بیکاران بالای ۱۶ سال میباشد

حزب کمونیست کارگری حکمتیست تشکلی نهادهایی از رهبران و فعالین کارگری برای ایجاد پیوند وسیعتر و عمیق تر میان فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری را یک حرکت ضروری در جهت ایجاد یک رهبری سراسری طبقه و ایجاد تشکل کارگری میداند و برای آن تلاش میکند.

همبستگی بین المللی از مبارزه کارگران ایران در سالهای اخیر جایگاه خاصی در مبارزه کارگران ایران یافته است. جلب همبستگی کارگری در حمایت از مبارزه کارگران ایران، یک تلاش ویژه حزب حکمتیست در خارج از ایران است

کارگران مهاجر افغانی مورد استثمار جنایتکارانه دولت و سرمایه داران در ایران قرار میگیرند و همواره در جهت ایجاد تفرقه و گسستگی در میان صفوف کارگران مورد بهره برداری قرار گرفته اند. کارگران و مهاجرین افغانستای باید از حقوق

تشکل های حزبی طبقه، یک رکن اساسی مبارزه طبقاتی کارگران هستند و پیشروی و پیروزی در این مبارزه بدون پیدایش و تقویت این تشکلهای و اتحاد وسیع توده های طبقه کارگر از طریق آنها، مقدور نیست.

شعار اصلی و سیاست عمومی حزب کمونیست کارگری حکمتیست در زمینه سازماندهی توده ای کارگران، تبلیغ و ایجاد شوراهای کارگری و سازماندهی شورائی طبقه کارگر است. اما حزب از هرگونه تلاش مستقل برای متحد و متشکل کردن کارگران حمایت میکند.

اعتصابات و اعتراضات کارگری در ایران در نبود تشکلهای توده ای طبقه کارگر، بر پایه مجمع عمومی ها و انتخاب نمایندگان پیش برده میشود. فعالین و رهبران کارگری باید با آگاهی به این مسئله، جنبش مجمع عمومی را دامن زنند و به تشکیل مجمع عمومی منظم در محلهای کار دست بزنند. در کارگاههای کوچک و کلا در آن رشته هائی که بخاطر موقعیت اقتصادی شان شمار و تمرکز کارگران در واحدهای کار محدود است و اتحاد حرفه ای، در مقایسه با اتحاد محل کار، کارگران را در موقعیت قوی تری در برابر سرمایه داران قرار میدهد، کارگران باید اتحادیه های حرفه ای خود را تشکیل دهند.

شوراهای اسلامی ارگانهای رژیم در میان کارگرانند و باید منحل شوند. طرح فعال شعار انحلال شوراهای اسلامی و تلاش عملی برای انحلال آنها از ملزومات اساسی ساختن تشکلهای

قطعه‌نامه پیشنهادی در باره انقلاب ایران و وظایف کمونیستها

پیشنویس دوم

ارائه دهندگان: آذر مدرسی، خالد حاج محمدی، بهرام مدرسی، محمود قزوینی،

امضا کنندگان: مصطفی اسدپور، سعید آرمان، رحمان حسین زاده، غفار غلام ویسی، ثریا شهابی، فاتح شیخ، جمال کمانگر، عبدالله شریفی، اسماعیل ویسی، عبدالله دارابی، ثریا خضری، لادن داور، علی عبدالی

مقدمه:

حزب کمونیست کارگری - حکمتمیست برای سازماندهی انقلاب کمونیستی، تبدیل طبقه کارگر به یک نیروی قدرتمند اجتماعی و سیاسی، استقرار حکومت کارگری یعنی جمهوری سوسیالیستی و تحقق برنامه یک دنیای بهتر" مبارزه میکند.

تحقق این استراتژی درگرو سرنگونی جمهوری اسلامی و تبدیل این سرنگونی به سکوی پرشی برای به قدرت رسیدن طبقه کارگر و استقرار جمهوری سوسیالیستی است.

در شرایط سیاسی امروز ایران و با وجود حاکمیت جمهوری اسلامی متحقق کردن این استراتژی ویژگی‌هایی بخود میگیرند.

الف: اوضاع سیاسی و صف بندی نیروهای سیاسی

۱- بحران اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی، تناقض بنیادی آن با مردم در همه ابعاد زندگی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نامتعارف بودن این رژیم برای سرمایه جهانی از بنیادی ترین خصوصیات این رژیم است. این بحران بحرانی هویتی است که فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی قابل حل است.

۲- تلاش برای تعدیل رژیم، اصلاح در چارچوب جمهوری اسلامی و جایگزینی آن بدون سرنگونی با شکست دو خرداد در ابعاد اجتماعی

شکست خورد. با شکست جنبش اصلاحات جامعه یک فاز سیاسی را پشت سر گذاشت و راهی جز سرنگونی رژیم اسلامی در مقابل مردم باقی نماند. در این دوره است که سرنگونی طلبی به بستراضی اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل شده است. بطوری که بخشی از اپوزیسیون درونی رژیم و اپوزیسیون اصلاح طلب هم به صف جنبش سرنگونی پیوسته اند.

۳- با شکست دو خرداد و یکدست شدن رژیم امروز دیگر جمهوری اسلامی بعنوان چکیده ارتجاع فشرده اسلامی در مقابل مردم قرار گرفته است.

۴- حاکمیت ارتجاع فشرده، تناقض بنیادی رژیم با آزادی، سعادت، خوشبختی و آسایش مردم، برمتن بحران اقتصادی رژیم، ناتوانی آن از حل این بحران، مشکل معیشت و خطر فلاکت، جمهوری اسلامی را در مقابل خطر انفجارات عظیم اجتماعی بر سر مسئله معیشت قرار داده است.

۵- امروز بیش از هر زمانی در سطح جامعه روشن شده است که انقلاب همه باهم در ایران ممکن نیست. رقابت و کشمکش اصلی میان چپ و راست جامعه، بر سر نوع و چگونگی سرنگونی جمهوری اسلامی است. به این معنی کشمکش سیاسی در جامعه تبدیل به کشمکش میان چپ و راست برای رهبری جنبش سرنگونی شده است.

۱- دو راه برای سرنگونی جمهوری اسلامی در مقابل جامعه قرار گرفته است، رژیم بدون دخالت مردم، از طریق دخالت سیاسی و نظامی غرب و امریکا و یا عراقیزه کردن ایران تحت عنوان فدرالیسم قومی، در تقابل با آلترناتیو چپ یعنی انقلابی مردمی برای سرنگونی و نابودی رادیکال، کامل و بنیادی جمهوری اسلامی قرار گرفته.

۲- حزب حکمتمیست بعنوان یکی از نیروهای سیاسی دخیل در روند تحولات سیاسی در جامعه برای تضمین سرنگونی رادیکال و انقلابی رژیم توسط مردم و پیشگیری از متحقق شدن سناریوی سیاه برای آینده ایران، سیاستهای زیر را در دستور خود قرار میدهد.

ب: ارکان و وظایف حزب حکمتمیست

۱- ایجاد یک صف نیرومند و میلیتانت و انقلابی برای آزادی و برابری در مقابل جمهوری اسلامی.

۲- حزب حکمتمیست منشور سرنگونی اعلام شده خود را معنای پیروزی جنبش سرنگونی میدانند، خود اجرای فوری این منشور را با سرنگونی رژیم در دستور کار قرار میدهد. تا با اجرای مفاد منشور سرنگونی، آزادی، امنیت اقتصادی و اجتماعی برای وسیعترین دخالت مردم در تعیین نظام حکومتی فراهم آید و طبقه کارگر و کمونیست‌ها در قدرتمندترین شرایط برای

تحقق انقلاب سوسیالیستی قرار گیرند. ۳- در مقابل خطر سناریوی سیاه و عراقیزه کردن جامعه ایران، برای کوتاه کردن دست باندهای قومی و مذهبی از زندگی مردم و دفاع از امنیت جامعه حزب حکمتمیست تشکیل گارد آزادی را در دستور کار خود قرار داده است. سازمان دادن کنترل محلات و تشکیل واحد های گارد آزادی تنها امکان دفاع موثر مردم و تشکلهای توده ای در برابر دست اندازی باندهای قومی و مذهبی است.

۴- تلاش برای ایجاد تشکل های کارگری و توده ای بعنوان ظرف اتحاد و ابراز وجود توده های مردم در ابعاد اجتماعی، جهت کسب خواسته های خود و تامین زندگی قابل تحملتر. حزب حکمتمیست

برای ایجاد و تقویت تشکل های توده ای در میان کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان و اقشار مختلف مردم در دفاع از آزادی و رفاه و تامین خواسته های انسانی آنها تلاش خواهد کرد.

۵- شکل دادن به صف مبارزه اجتماعی و مستقل مردم و امکان مقابله مستقل آنها علیه تعرضات احتمالی نظامی دولت آمریکا و متحدینش به زندگی مردم.

۶- تبدیل کردستان به دروازه قدرتگیری کمونیست در سراسر ایران. از آنجا که کمونیسم در کردستان بیش از هر جای دیگری سنت اجتماعی و نفوذ توده ای قوی و رهبر توده ای و

اجتماعی خود را دارد. از آنجا که کمونیسم به بخشی از تاریخ این جامعه به عنوان سمبل آزادی و برابری انسانها گره خورده است، کمونیسمی که امروز مستقلا به حکمتمیست ها وصل است. از آنجا که نیرو و ماتریال اصلی سه دهه مبارزات کمونیستی در کردستان در حزب حکمتمیست گرد آمده است. حزب حکمتمیست با اتکا به این موقعیت و توان برای تبدیل کردستان به دروازه قدرت کمونیسم در سراسر ایران مبارزه میکند.

۷- سازمان دادن مبارزه ای اجتماعی علیه فقر و فلاکت و کمک به عرض اندام جنبش کارگری بعنوان یک جنبش اعتراض اجتماعی با تشکل و رهبران شناخته شده خود در سطح جامعه.

حزب حکمتمیست تلاش میکند یک سیاست و رهبری رادیکال بر این مبارزات را تامین کند، آن را تحت رهبری کمونیستی و زیر پرچم جنبش انقلابی طبقه کارگر، نه تنها در مقابل جمهوری اسلامی بلکه بعلاوه در مقابل عناصر سناریو سیاهی، قومی، مذهبی و سیاسی، قرار دهد.

۸- تامین هژمونی فکری حکمتمیسم بر چپ و جامعه، دفاع از مارکسیسم و حکمتمیسم و متمایز کردن مجدد کمونیسم در مقابل ناسیونالیسم چپ و تبدیل حکمتمیسم به بستر اصلی کمونیسم انقلابی و رادیکال.



قرار های پیشنهادی

قرار شماره ۱ - در باره تضمین امکان دخالت در تصمیم گیری و اجرای سیاست های مصوب کمیته ها و نهاد های حزبی

پیشنهاد دهنده: کورش مدرسی

حمایت کنندگان: خالد حاج محمدی، ثریا شهابی، رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، نسان نودینیان، امان کفا

برای فراهم آوردن بیشترین امکان در طرح نظرات در پروسه تصمیم گیری در حزب، اعضای کمیته های حزبی حق دارند جلسات این کمیته ها در همه زمینه ها در بحث و تصمیم گیری های کمیته خود شرکت کنند و نظرات خود در مورد سیاست ها و تصمیمات مورد بررسی را ارائه نموده و به رای بگذارند. بعد از بحث تصمیم نهائی توسط رای اکثریت اعضای کمیته تعیین میشود.

در همان حال برای تضمین وحدت اراده در اجرای تصمیمات مصوب کمیته ها و نهاد های حزبی اعضای کمیته های حزبی، مادام که عضو یک کمیته هستند، حق ظاهر شدن به عنوان مخالف و منتقد و یا اپوزیسیون سیاست های کمیته خود در بیرون از کمیته نیستند.

باز شدن مجدد بحث در کمیته ها منوط به تقاضای یک عضو کمیته و تصویب قرار گرفتن مجدد آن بحث در دستور جلسه کمیته است.

قرار شماره ۲: در باره شرکت در جلسات کمیته های حزبی

پیشنهاد دهنده: کورش مدرسی

حمایت کنندگان: خالد حاج محمدی، ثریا شهابی، رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی، نسان نودینیان، امان کفا

شرکت اعضای کمیته های حزبی در جلسات رسمی کمیته های خود یک وظیفه پایه ای آنها است. دبیر هر کمیته موظف است در گزارش خود به نهاد انتخاب یا انتصاب کننده هر کمیته تواتر شرکت و غیبت اعضای کمیته خود در جلسات کمیته را منعکس نماید.

قرار شماره ۳ - در رابطه با پرورش کادر و ایجاد مدارس حزبی

پیشنهاد دهنده: اسماعیل ویسی

حمایت کنندگان: داریوش نیکنام، سهند حسین زاده و غفار غلام ویسی

حزب کمونیست کارگری حکمتیست نه بر اساس تئوری پیوند و از دل جنبش طبقاتی کارگری، بلکه بر اساس تئوری کادرها و رهبری ایجاد و تشکیل شده است.

هدف حزب تشکیل حزبی سیاسی - توده ای و اجتماعی است. بر اساس مباحثات حزب و جامعه، یکی از ارکان اساسی ایجاد حزبی سیاسی، توده ای و اجتماعی وجود کادرهای [مارکسیست- حکمتیست] چون ستون فقرات چنین حزبی میباشد.

پس بر این اساس، پرورش کادرهای مارکسیست- حکمتیست در درون حزب یکی از اولویتهای ضروری و مبرم برای تحکیم ستون فقرات و حزبیت کمونیستی است.

بنا به دلایل فوق کنگره قرار مزبور [پرورش کادر و ایجاد مدارس حزبی] را مورد تاکید و تصویب قرار میدهد و بعنوان اولویت کاری ایجاد و راه اندازی این مکانیسم را در دستور کار دفتر سیاسی و کمیته رهبری حزب قرار میدهد.

مصافه های آتی جامعه، برای تامین هژمونی چپ بر جنبش سرنگونی و برای کسب قدرت سیاسی بعنوان رهبر انقلاب مردم یا به میدان بگذارد.

۱۰- کنگره اول حزب کمونیسم ما [کمونیسم مارکس تداعی کند و خودش را نیازمند پیوستن به این حزب ببیند.

۹- با توجه به اوضاع سیاسی خطیر امروز در ایران، تلاش همه جانبه برای تبدیل حزب به یک حزب سیاسی و رهبر مردم، تامین رهبری اجتماعی و توده ای کمونیستی، تضمین ایجاد ساختمان محکم حزبی با بالاترین درجه از اتحاد، انسجام، انضباط و استانداردهای فعالیت حزبی در همه سطوح و تامین یک رهبری سیاسی با تحرک سریع و به موقع جهت دخالت مستقیم در روند اوضاع سیاسی جهت ایفای نقش تاریخی در دستور حزب قرار میگیرد.

۱۱- کنگره اول حزب حکمتیست توجه همه فعالین کمونیست را به ابعاد عظیم وظایفی که در این دوره تاریخی بر دوش دارند جلب میکند و آنها را به مبارزه ای پرشور، متحد، اجتماعی و حزبی و پیوستن به حزب حکمتیست برای پیروزی کمونیسم فرا میخواند.

حزب حکمتیست با تمام توان میکوشد در

نامه شماره ۴

قابل توجه نمایندگان و ناظرین

هزینه های شرکت در کنگره

- ۱- ورودی برای ناظرین ۲۵ یورو
- ۲- برای همه هزینه (محل خواب، صبحانه، ناهار و شام) هر روز ۴۰ یورو.
- ۳- ژتون غذا در روز، بدون محل خواب، ۱۰ یورو است.

۴- هزینه محل خواب، صبحانه، ناهار و شام برای کودکان هر روز ۲۰ یورو - سوبسید کودکان را کنگره پرداخت میکند.

در محل کنگره امکان نگهداری از کودکان از ساعت ۸ صبح تا ۶ بعدازظهر فراهم است.

نسان نودینیان

اساس سوسیالیسم انسان است

نامه شماره ۸

به همه نمایندگان کنگره اول

سمینار ها و جلسات جانبی کنگره

رفقا

برای استفاده بهتر از وقت کوتاهی که در کنگره داریم امکان برگزاری تعدادی سمینار و یا کارگاه توسط نمایندگان متقاضی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

اگر مایل به برگزاری سمینار، سخنرانی یا کارگاهی هستید لطفا هرچه زودتر با من تماس بگیرید.

ما با توجه به محدودیت زمانی و مکانی امکانات را میان متقاضیان تقسیم کنیم. اولویت با سمینارهایی است که تعداد بیشتری از نمایندگان درخواست کنند و یا به تشخیص کمیته رهبری اهمیت بیشتری داشته باشد.

آخرین تاریخ تقاضای سمینار، جلسه و کارگاه اول اکتبر خواهد بود.

با تشکر

کوروش مدرسی

۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶

نامه شماره ۹

به همه نمایندگان کنگره اول

آخرین موعد دریافت قرار، قطعنامه، یا اصلاحیه به قرار و قطعنامه های رسیده

رفقا

با توجه به وقت مورد نیاز برای انتشار اسناد کنگره، امکان مطالعه آنها توسط نمایندگان و بالاخره فرصت کافی برای تکثیر توسط تدارکات کنگره، آخرین موعد برای دریافت قرار، قطعنامه و یا اصلاحیه بر قرار و قطعنامه پیشنهاد شده ۱۰ روز قبل از کنگره، یعنی ۱۱ اکتبر (۱۹ مهر) است. لطفا اسنادتان را هرچه سریعتر بدست من برسانید.

تاریخ انتشار نشریه کنگره به قرار زیر خواهد بود:

شماره ۳ - دوشنبه ۲۵ سپتامبر - آخرین فرصت برای رساندن اسناد ۲۴ سپتامبر

شماره ۴ - دوشنبه ۲ اکتبر - آخرین فرصت برای رساندن اسناد ۱ اکتبر

شماره ۵ - دوشنبه ۹ اکتبر آخرین فرصت برای رساندن اسناد ۸ اکتبر

شماره ۶ (آخرین شماره) چهارشنبه ۱۱ اکتبر آخرین فرصت برای رساندن اسناد ۱۱ اکتبر

توجه داشته باشید که هیچ دستور، قطعنامه، قرار و یا اصلاحیه ای خارج از آنچه که از پیش بدست نمایندگان رسیده باشد در دستور قرار نمیگیرد. دستور جلسه کنگره از میان اسنادی که تا شماره ۶ اکتبر منتشر شده انتخاب میشوند. لطفا بار دیگر به مقرارت کنگره که در کنگره شماره ۱ و ۲ آمده است مراجعه کنید.

با تشکر

کوروش مدرسی

۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶